

به نام خداوند تبارک و تعالی

برنامه‌ها، اهداف و معرفی اعضای انجمن علمی سیاستگذاری اجتماعی و فرهنگی دانشگاه خوارزمی^۱

منتشر شده در پایگاه خبری مددکارنیوز

ملاحظات و اهداف تأسیس انجمن

افق دیدگاه‌های انجمن حاضر، ارائه راهبردها و ارایه مباحث پیشنهادی، نقد و نظر با رویکرد علمی و اجرایی در ذیل سیاست‌های کلان کشور با رویکرد سیاست درونماندگار و با هدف کمک در بهبود وضعیت کشور می‌باشد. بدین ترتیب هدف کلی انجمن، بررسی، ارائه نظر و دیدگاه و بازاندیشی در رویکردها، گفتمان‌ها و اقدامات موجود در حوزه اجتماعی و فرهنگی کشور است و سعی دارد با ورود و طرح‌ریزی مباحث در جهت سیاست اجتماعی و فرهنگی با توجه به شرایط و مقتضیات جامعه، قانون اساسی و تحقق اهداف جمعی فعالیت نماید.

همانطور که از نام انجمن نیز پیداست، اولویت بر طرح مباحث سیاستگذاری اجتماعی و در گام دوم سیاستگذاری فرهنگی می‌باشد زیرا هر چند فرهنگ‌ها و به معنای خاص آداب و رسوم در طول تاریخ شکل می‌گیرند و فرهنگ امری نیست که دفعتاً و با ایجاد قوانین از بالا، بتواند اعمال شود و مقبولیت عمومی را هم به همراه داشته باشد و از این جهت انجمن علمی سیاستگذاری اجتماعی و فرهنگی، نیم‌نگاهی هم به وضعیت سیاست‌های فرهنگی البته نه در جهت ازدیاد آن بلکه صیقل و بازنگری قوانین سیاستی فرهنگی کشور دارد.

انجمن علمی-دانشجویی سیاستگذاری اجتماعی و فرهنگی در اوایل شکل‌گیری دولت چهاردهم، فعالیت‌های خود را شروع می‌کند و درصدد کمک به تحقق اسناد بالادستی کشور و شعار دولت مبنی بر وفاق ملی، سعی در برآوردن آن دارد و به امید کمک هرچه بیشتر به دولت برای طرح‌ریزی گفتمان‌های توسعه و رفاه اجتماعی با هدف تعالی معنوی، خیر جمعی و تحقق رفاه عام‌گستر، در حد توان خود بکوشد تا درهایی را به سوی گشایش

^۱ متن اولیه توسط مجتبی اسلامی (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسایل اجتماعی ایران و مؤسس انجمن علمی سیاستگذاری اجتماعی و فرهنگی دانشگاه خوارزمی) و با نظر استاد مشاور (خصوصاً در تعریف مفهوم و مختصات سیاست اجتماعی و فرهنگی) صورت گرفته است.

راه‌های ارتباطی با انجمن؛ ایمیل: mojtabaeslami135@gmail.com آیدی تلگرام: [mojtaba_eslamii](https://www.tg.me/mojtaba_eslamii)

بیشتر جامعه مدنی و مشارکت اقشار دانشگاهی بگشاید تا آنچه مطلوب و در راستای تحقق اهداف جمعی است، تحقق یابد.

در اینجا به برنامه‌های انجمن علمی به صورت کلی در طی سال‌های پیش‌رو که با کمک دانشجویان گروه جامعه‌شناسی خوارزمی، قصد انجام آن‌ها را دارد، پرداخته می‌شود:

- تاسیس نشریه علمی «حکمرانی اجتماعی و مدیریت مشارکتی جامعه ایرانی»؛ که درباره این نشریه می‌توان گفت:

○ این نشریه می‌خواهد با کمک آثار نویسندگان خود، با طرح مسایل فرهنگی و اجتماعی ایران و ریشه‌یابی مشکلات آن، به دور از جزم‌انگاری‌های سیاسی و با ارائه مطالبی علمی، در جهت پیشبرد اهداف توسعه‌ای ایران در توان خود هرچند به مقداری اندک قدم بگذارد.

○ این نشریه از گام‌های خرد به گام‌های بلند سیاستی و راهبردی مسایل ایران در حال رفت و برگشت است بنابراین از وضعیت خرد گروه‌های مردمی تا وضعیت کلان سیاسی کشور را در برمی‌گیرد اما تمام مسایل خود را در درهم تنیدگی با مسایل کلان جامعه می‌فهمد و البته جزئیت را در جزئی بودگی‌اش رها نمی‌کند زیرا فهم یک سیستم در شناخت روابط پویای نیروهای خرد و کلان ممکن است. یکی از موضوعات اصلی این نشریه، تأملات، توضیح و نقد و بازاندیشی بر قوانین مصوب کشور در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی است مانند قانون نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، حمایت از خانواده و جوانی جمعیت و... تا بلکه مسیر برای بهترشدن این قوانین فراهم شود و زمینه‌های توسعه و رفاه اجتماعی هموارتر گردد.

- برگزاری کارگاه‌های علمی در زمینه‌های مرتبط با مسایل اجتماعی و سیاست‌گذاری اجتماعی و فرهنگی.

- برگزاری نشست‌های تخصصی و دعوت از اساتید خبره برای بحث درباره مسایل مهم سیاست‌گذاری اجتماعی و فرهنگی مانند مباحث توسعه‌ای در ایران (روندشناسی، گفتمان، سیاست‌ها، پارادیم‌ها و...).

- تقویت بنیه علمی دانشجویان فعال در انجمن و اثربخشی در فضای علمی-فرهنگی دانشگاه خوارزمی و در سطح جامعه با مشارکت طلبی.

- ارسال راهبردهای سیاستی در حد توان به مسئولان دانشگاه و کشور و دریافت بازخورد از آنان.

- رعایت عدالت و انصاف در مشارکت دادن افراد و قضاوت در مورد اقدامات صورت گرفته و آرایه پیشنهادات با رویکرد جامع نظری سه گانه دکتر صفری شالی (۱. اصل برابری در دسترسی به فرصت‌ها و منابع، ۲. اصل استحقاق متناسب با تلاش و شایستگی افراد و گروه‌ها (اصل نابرابری)، ۳. اصل عدالت توزیعی و چتر حمایتی با رویکرد تبعیض مثبت برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و انواع معلولان اجتماعی، روانی و جسمی با هدف تعادل بخشی در جامعه).

معرفی شورای مرکزی، اعضای عمومی و دست‌اندرکاران انجمن

این انجمن که در تاریخ ۵ آبان ۱۴۰۳ انتخاباتی را بر عضوگیری در دانشگاه خوارزمی، صورت داد و بعد از آن اعضای انجمن مشخص شد و انجمن علمی سیاست‌گذاری اجتماعی و فرهنگی دانشگاه خوارزمی، رسمیت پیدا کرد. این انجمن با استادمشاورى جناب آقای دکتر رضا صفری شالی (دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی) آغاز به کار کرد و در ادامه به معرفی هر یک از اعضای همراه با سمت‌شان در انجمن پرداخته می‌شود:

۱. مجتبی اسلامی؛ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسایل اجتماعی ایران (دبیر انجمن و سردبیر نشریه انجمن)
 ۲. ابراهیم عبدالله‌زاده؛ دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی (نایب دبیر انجمن)
 ۳. امیرحسین شریفی؛ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسایل اجتماعی ایران (مسئول امور فرهنگی)
 ۴. کیمیا سید؛ کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی (مدیر مسئول نشریه)
 ۵. الهه دوست‌حسینی؛ کارشناسی مددکاری اجتماعی (مسئول روابط عمومی)
 ۶. محمد شمشیری؛ دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی (مدیر اجرایی نشریه)
 ۷. مرتضی عباس‌زاده؛ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسایل اجتماعی ایران (معاون سردبیر نشریه)
- و تا فعلا دو تن از دانشجویان گرامی در گروه جامعه‌شناسی خوارزمی نیز به عنوان عضو عمومی آمادگی خود را برای فعالیت در انجمن اعلام کرده‌اند که اسامی‌شان عبارتست از: مینا صالحی (ویراستار نشریه) و محمد شاه‌رضا (گرافیست انجمن و مدیر هنری نشریه).
- جا دارد که از همه این عزیزان و باقی همکاران انجمن از جمله جناب آقای دکتر جواد طلسمچی (سردبیر پایگاه خبری مددکارنیوز) که زحمت کارهای رسانه‌ای انجمن را می‌کشند و همچنین آقایان

آمین قلی‌زاده (وکیل دادگستری) و پرویز خیری به عنوان مشاور حقوقی انجمن که کنار ما هستند و ما را کمک می‌کنند، تقدیر و تشکر ویژه‌ای شود.

سیاست در زبان فارسی معادل دو واژه **politics** و **policy** است. در ادامه برای تشریح بیشتر وظایف انجمن، به توضیح مفاهیم آن یعنی سیاست اجتماعی (**Social Policy**) و سیاست فرهنگی (**Cultural Policy**) پرداخته می‌شود و در ذیل پرداخت به هر مفهومی، مدل مدنظر که چارچوب مفهومی برای مباحث علمی انجمن می‌تواند باشد، ترسیم می‌گردد:

تعریف مفهوم و مختصات دو مفهوم اساسی به کار رفته در عنوان انجمن

۱. سیاست اجتماعی

در تعریف سیاست (علاوه بر علم سیاست و حکمرانی) در دیکشنری کمبریج آمده: فعالیت‌های حکومت، اعضای سازمان‌های واضع قانون یا مردمی که تلاش می‌کنند شیوه حکومت در کشور را متناسب با شرایط و بالابردن بیشترین خیر جمعی تغییر دهند. آنچه در این تعریف مهم است "هدف" است. در واقع در این تعریف کنش‌هایی که در راستای هدف متأثر کردن شیوه حکومت انجام می‌شود چه از سوی خود حکومت و چه از سوی مردم سیاست پنداشته می‌شود (رضانیا، ۱۳۹۹). در تعریفی دیگر در دیکشنری کمبریج، سیاست، مجموعه‌ای از ایده‌ها یا طرح‌هایی است که در شرایط خاصی انجام می‌شود و توسط گروهی از مردم، دولت یا سازمان سیاسی به طور رسمی در مورد آن توافق شده است.

سیاست اجتماعی از انواع سیاست عمومی به شمار می‌رود. به‌طور کلی، سیاست‌های عمومی بر اساس حیطه‌های موضوعی مختلف سیاست‌گذاری و مسایل آن به چهار نوع اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تقسیم می‌شود (غفاری و حبیب‌پور گتایی، ۱۳۹۳: ۶-۵).

لازم به توضیح است که رشته سیاست اجتماعی را می‌توان از رشته‌های جدیدی در فضای دانشگاهی ایران دانست. سیاست اجتماعی رشته‌ای است که واحدهای درسی آن از اوایل دهه ۱۳۸۰ به دوره‌های آموزشی دانشگاهی در دانشگاه تهران و دانشگاه علامه طباطبایی راه یافت. سیاست اجتماعی با محوریت دادن به برنامه‌ریزی اجتماعی و اقدام در جهت بهبود کیفیت زندگی، تحقق عدالت اجتماعی و به معنای عام کلمه تحقق رفاه اجتماعی از سایر رشته‌ها و گرایش‌های علوم اجتماعی متمایز می‌شود و حیطه مفهومی خاصی را به خود اختصاص داد که در عین

بهره‌گیری از مبانی نظری و مفهومی جامعه‌شناسی به جنبه‌های عملی و عینی در راستای بهره‌مندی جامعه هدف توجه خاص دارد. اما در بیرون از فضای دانشگاه به‌جای «سیاست اجتماعی»، بیشتر از سیاستگذاری اجتماعی استفاده می‌شود که در متن آن نوعی «کنش و اقدام» دیده می‌شود و صرفاً به معنای دیدگاه‌های نظری و علمی نیست، بلکه سعی دارد با بهره‌گیری از دیدگاه نظری و علمی به عینیت‌یابی و اجرایی‌شدن آن در جامعه ایرانی بپردازد، لذا انجمن حاضر نیز در خصوص سیاست اجتماعی و فرهنگی چنین نگاهی دارد.

گوگ و تربورن^۱ (۲۰۱۰)، پنج عامل را در زمینه توسعه سیاستگذاری اجتماعی و دولت رفاه شناسایی کرده‌اند و مباحثی که در انجمن شکل می‌گیرد نیز حول این محورها انجام می‌شود:

صنعتی‌شدن: توجه به تغییر ساختارهای اقتصادی، جمعیتی و اجتماعی در نتیجه گسترش صنعتی‌شدن و ایجاد نیازهای جدید.

اصل انتفاع جمعی: توجه به تاثیر دموکراسی و کنش‌های سیاسی به‌ویژه براساس انتفاع گروه‌های ذینفع کنشگران جمعی در زمینه توزیع منابع قدرت، تحرک طبقاتی و تفاهم طبقاتی.

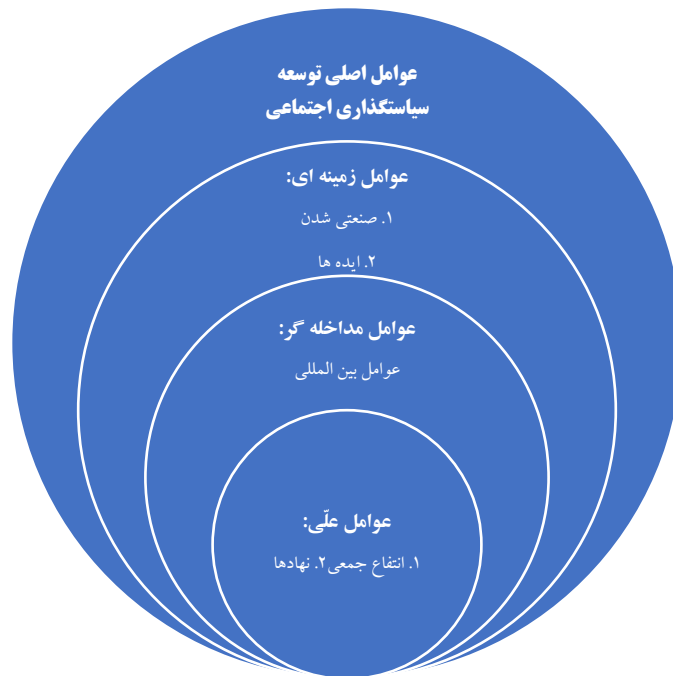
نهادها: نهادهایی که ظرفیت دولت را تقویت می‌کنند و منابع در دسترس آن را بهبود می‌دهند، مانند: ملت‌سازی، شهروندی (مردم)، نظام‌های قانونی و سیاسی.

ایده‌ها: فرهنگ، ارزش‌های ملی و ایدئولوژی.

عوامل بین‌المللی: تاثیرات فرادولتی و فراملی، مانند: جنگ، جهانی‌شدن و حکمرانی جهانی.

در شکل زیر، این پنج عامل را در سه عامل کلی‌تر زمینه‌ای، مداخله‌گر و علی، قالب‌بندی کردیم تا صورت‌بندی بهتری از آن به‌دست بیاید:

¹ Gough, Ian & Therborn.



شکل ۱: مدل عوامل اصلی توسعه سیاستگذاری اجتماعی بر اساس نظر گوگ و ترورن

گرچه به‌طور کلی تعاریف مختلفی از سیاست اجتماعی نیز صورت گرفته که هر یک از این تعاریف از زاویه‌ای به موضوع پرداخته‌اند؛ برای نمونه:

«بلیک مور»^۱ بر این باور است: «سیاست‌های اجتماعی به زندگی انسان‌ها مربوط می‌شوند و صرفاً فهرستی از اهداف، قوانین و مقررات نیستند. برنامه‌های کلی سیاست اجتماعی با نتایج و پیامدهای غیرمنتظره و گاه فاجعه‌بار به عمل در می‌آیند. بنابراین، سیاست اجتماعی همان چیزی است که در عمل و نیز در مرحله تصمیم‌گیری اتفاق می‌افتد. گاهاً فاصله مفاهیم و اهداف سیاست‌های آرمانی و واقعی آن قدر زیاد است که سبب بروز نتایج بسیار نامناسبی می‌شود» (بلیک مور، ۲۰۰۳).

تونی فیتزپتریک^۲ نیز در کتاب *نظریه رفاه* از سیاست اجتماعی به عنوان روندی نام می‌برد که از طریق آن رفاه یا بهزیستی جامعه به حداکثر می‌رسد (فیتز پتریک، ۱۳۸۱: ۱۵).

^۱ - Ken Black Moore

^۲ Tony Fitzpatrick

از منظر الکوک،^۱ سیاست اجتماعی اصطلاحی است برای توضیح اقداماتی که به رشد بهینه زندگی انسان‌ها کمک می‌کند (الکوک، ۲۰۰۱)؛ لذا سیاست اجتماعی ابزاری مثبت برای ایجاد تغییرات است اما این تغییرات می‌تواند از نظر اخلاقی پسندیده نباشد مثل سیاست‌های تبعیض نژادی و یا سیاست‌های اجتماعی هیتلر (کامکار، ۱۳۸۲: ۱۸-۱۷).

اسمیت تیتموس^۲ (۱۹۶۶) معتقد است، سیاست اجتماعی به مجموعه اصولی گفته می‌شود که موجب سوق یافتن شرایط به سوی موقعیت مناسب به منظور مؤثرواقع شدن قوانین و احکام می‌گردد؛ مثل کنترل فقر برای زندگی بهتر و با رشته تصمیمات و احکامی مرتبط است که ارزش‌های اجتماعی را تعیین و توزیع می‌نمایند (جغتایی، ۱۳۸۰).

اما درباره سیاست‌گذاری اجتماعی می‌توان گفت که در یکی از ساده‌ترین این تعریف‌ها، اسپیکر (۲۰۱۷) سیاست‌گذاری اجتماعی را مجموعه سیاست‌هایی می‌داند که دولت‌ها برای ارتقاء سطح خدمات اجتماعی، رفاه اجتماعی و برای بهبود کیفیت زندگی شهروندان به کار می‌گیرند. تیلور گوبی (۲۰۱۹) و بالداک (۱۹۹۹) نیز هدف سیاست‌گذاری اجتماعی را کاهش نابرابری و بهبود رفاه انسانی می‌دانند. نخست به این دلیل که نابرابری و رفاه انسانی یک مسئله اخلاقی است چون به لحاظ اخلاقی، وجود شکاف زیاد در جامعه میان فقیر و غنی قابل دفاع و توجیه نیست. دوم اینکه، نابرابری و رفاه انسانی به این دلیل در سیاست‌گذاری اجتماعی مهم‌اند که به طور مستقیم بر احساس شهروندی تأثیر می‌گذارد. زیرا انسان‌های محروم، امکان استفاده از حقوق شهروندی خود را ندارند. بنابراین حتی در جوامعی که حق سیاسی به رسمیت شناخته شده است، رفاه محدود و فقر، عملاً دسترسی افراد را از مشارکت در نهادهای اصلی دموکراتیک کاهش می‌دهند. بنابراین در سطح ملی نابرابری به حقوق شهروندی افراد لطمه وارد می‌کند. از این رو، اهمیتی که سیاست‌گذاری اجتماعی به کاهش نابرابری، بهبود و رفاه انسانی می‌دهد نتیجه یک نگرانی اخلاقی و ارزشی است. میزان این اهمیت بسته به میزان تأثیرگذاری سیاست‌گذاری اجتماعی را در محور برنامه‌های سیاسی قرار داده است. بر این اساس «سیاست‌گذاری اجتماعی با هدف برآورده کردن نیازهای اساسی افراد جامعه که لازمه اقداماتی در راه کاهش نابرابری اجتماعی و بهبود رفاه انسانی

¹ Alcock

² Smith Titmuss

و اجتماعی است به سیاست‌های معیشت، آموزش، بهداشت، مسکن، اشتغال و تأمین اجتماعی توجه خاص دارد» (برادشو، ۱۹۷۲: ۶۴۰).

به مناسبت میان‌رشته‌ای بودن انجمن و اینکه دانشجویان رشته مددکاری اجتماعی نیز می‌توانند در انجمن عضویت داشته باشند، در ارتباط میان سیاستگذاری اجتماعی و مددکاری اجتماعی می‌توان گفت که: در چارچوب رهیافت توانمندسازی در مددکاری اجتماعی، سه مفهوم سیاست اجتماعی، مددکاری اجتماعی و عدالت اجتماعی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. سیاست اجتماعی درباره توزیع منابع است، عدالت اجتماعی در گام اول به دسترسی برابر مردم به منابع توجه دارد و مددکاری اجتماعی به ساختمان‌شدن بی‌عدالتی در توزیع منابع و افراد ناتوانی می‌پردازد که در معرض این ساخت ناعادلانه قرار دارند (Benn, 1991: 33).

ویس و گال^۱ (۲۰۱۷) بین سه شیوه اصلی «مشارکت سیاسی» مددکاران اجتماعی یعنی مشارکت داوطلبانه سیاسی، داشتن مسئولیت انتخاباتی و اقدام سیاستی تمایز می‌گذارد. دو نقش نخست که مددکار اجتماعی بر عهده می‌گیرد، مشارکت سیاسی مددکاران اجتماعی فردی به‌عنوان شهروندان فعال در جامعه مدنی و در چارچوب نهادی کلی است. اما اقدام سیاستی بخشی از وظایف مددکاری حرفه‌ای است. اقدام سیاستی، مهارتی است که مددکار اجتماعی به‌کار می‌گیرد تا سیاست‌هایی را به‌منظور دستیابی به هدف عدالت اجتماعی و اقتصادی پیشنهاد دهد. در اقدام سیاستی، مددکاران اجتماعی تلاش می‌کنند تا چشم‌اندازها و مهارت‌هایی برای قوانین، قواعد، بودجه‌ها، سیاست‌ها و هیأت‌های سیاست‌گذاری به‌دست آوردند. این تغییرات می‌توانند در سطوح مختلف محلی و ملی با پیگیری مددکار اجتماعی برای تحقق عدالت اقتصادی و اجتماعی دنبال شود و مددکاران اجتماعی چه به‌عنوان کنشگران فردی یا کنشگران اجتماعی و در چارچوب اجتماع مددکاری اجتماعی، در سطوح سیاستگذاری محلی، ملی و فراملی این نقش را بر عهده می‌گیرند. مددکار اجتماعی در اقدام سیاستی اثرگذار، می‌آموزد که چطور مهارت‌های عملی اصلی (تعامل، تعیین، هدف، برنامه‌ریزی، اجرا و رصد فرایند) را برای نظام‌های اجتماعی بزرگ‌تری به‌کار گیرد که خروجی‌اش تغییر در وضعیت خدمات‌گیرنده منفرد نیست، بلکه تغییر نظام بزرگ‌تری هم در قوانین و هم موقعیت‌های اجتماعی را به دنبال دارد که می‌تواند بر زندگی میلیون‌ها فرد و خانواده تأثیر بگذارد (Cummins et al, 2011 به نقل از قاراخانی، ۱۳۹۹).

^۱ Weiss-Gal

۲. تعریف مفهوم و مختصات سیاست فرهنگی

اولین مرحله در سیاست فرهنگی تعریف فرهنگ است. رویکردها به تعریف فرهنگ متفاوت است. تعاریف وصف‌گرایانه، هنجاری، تاریخی، روانشناختی و تکوینی (آشوری، ۱۳۸۶، اشتریان، ۱۳۹۴: ۲۷). فرهنگ فصل مشخص انسان‌ها است و انسان‌بودن مساوی است با داشتن فرهنگ (آزاد ارمکی و منوری، ۱۳۸۹). در کنفرانس سیاستگذاری فرهنگی مکزیکوسیتی در سال ۱۹۸۲ در تعریف فرهنگ این‌گونه آمده است: فرهنگ مجموعه کاملی است که دارای ویژگی‌های خاص روانی، جسمانی، فکری و احساسی که معرف یک گروه اجتماعی است. فرهنگ نه تنها هنر و ادبیات که شیوه‌های زندگی، حقوق اساسی نوع بشر، نظام‌های ارزشی، سنت‌ها و باورها را نیز در بر می‌گیرد (وحید، ۱۳۸۳: ۲۵۶).

سیاست فرهنگی در درجه اول اقدام یا اقداماتی عامدانه است که در قلمرو فرهنگ صورت می‌پذیرد. سیاست فرهنگی بخشی از فرایند تولید، توزیع و اعمال قدرت در جامعه است. از این‌رو سیاست فرهنگی با تمام ابعاد سیاسی و اجتماعی جامعه سروکار دارد. سیاست فرهنگی در معنای امروزی آن پدیده‌ای مدرن است که به تدریج با ظهور دولت‌های ملی از قرن هجدهم به بعد پدیدار شد (فاضلی و قلیچ، ۱۳۹۲).

در یک نسبت‌سنجی، نسبت میان فرهنگ و سیاستگذاری را می‌توان در دو محور خلاصه کرد؛ اول گستره مفهومی فرهنگ و دوم رویکردها و پارادایم‌های روش‌شناختی سیاستگذاری. به‌طور کلی دو پارادایم روش‌شناسی اثبات‌گرایی و تفسیری - هرمنوتیکی باعث طرح مدل‌های خاصی در خصوص سیاستگذاری فرهنگی شده است. رویکرد اول یا پوزیتیویستی با تکیه بر عینیت‌گرایی خام، خط‌مشی‌گذاری را در مدل‌های عقلایی خلاصه می‌کند، لذا نه تنها شناخت عینی پدیده‌های فرهنگی برای سیاستگذاران میسر می‌شود، بلکه خط‌مشی‌گذاری می‌تواند تمام راه‌حل‌ها را احصا کرده و به دنبال آن مجریان و ارزیاب‌کنندگان به‌دور از ذهنیات و سلايق خویش به اجرا و ارزیابی سیاست‌های فرهنگی می‌پردازند؛ اما در مقابل طبق دیدگاه تفسیری خط‌مشی‌گذاری مستقل از ذهنیت سیاستگذار و بافت تاریخی و فرهنگی سیاستگذاری نیست؛ لذا تماماً مراحل سیاستگذاری تحت‌تأثیر تفاسیر مختلف است. از نظر این دسته نظریه‌پردازان موضوع سیاستگذاری از عینیت برخوردار نبوده و بنا به تفاسیر مختلف تکثیرپذیر است (الوانی و هاشمیان، ۱۳۸۸). برخی به دلیل اتخاذ رویکرد روش‌شناسی تفسیری و تعریف حداکثری از فرهنگ قائل به عدم امکان سیاستگذاری فرهنگی بوده و در طرف دیگر برخی در پارادایم روش‌شناسی اثبات‌گرا و با تکیه بر تعریف کلی از فرهنگ با رویکردی مکانیکی به فرهنگ، جریان‌ات آن را قابل مدیریت

می‌دانند (الوانی و هاشمیان، ۱۳۸۸). گرچه به نظر می‌رسد هر دو رویکرد اثباتی و تفسیری در تعریف و اجرای فرهنگ با مشکل رو به رو خواهند شد. چرا که در رویکرد اثباتی، تمایزات و تفاوت‌ها دیده نمی‌شود و در رویکرد تفسیری به دلیل تنوع سلیق و ارزش‌ها، قانون‌گذاری و سیاستگذاری عملاً غیرممکن خواهد شد.

در تعریف سیاستگذاری فرهنگی گفته شده که آن به اراده دولت در ایجاد یا تحکیم و یا تغییر مقررات و تنظیمات در عرصه فرهنگ معطوف است که چنین اراده‌ای می‌تواند سلبی یا ایجابی باشد (وحید، ۱۳۸۶: ۲۲۸) از دیدگاه علم سیاستگذاری سیاست فرهنگی مقوله‌ای است دارای اهمیت راهبردی که بر توسعه پایدار اثر می‌گذارد و در واقع بخش اساسی آن است (اشتریان، ۱۳۸۱: ۱۰).

سیاستگذاری فرهنگی دولت در دو سطح قابل توجه است، سطح اول که **Cultural Politics** به آن می‌گویند؛ به طور عام بر ارزش‌ها و اصولی اطلاق می‌شود که انسان‌ها را در مسایل فرهنگی هدایت و راهنمایی می‌کند در حقیقت این سیاست‌ها اصول کلی درباره اهداف اصلی و غایی در حوزه فرهنگ را ارائه می‌دهند. دوم سطح خط‌مشی‌های فرهنگی **Cultural Policy** است. این خط و مشی‌ها عینی‌تر بوده تدابیر و راهکارهای اجرایی را در اختیار دست‌اندرکاران قرار می‌دهد که تصمیمات و اقدامات آنان بر زندگی مردم تأثیرگذار است (ذکایی، شفیع‌ی و سادات، ۱۳۸۹: ۹۲-۹۱).

جونز^۱ استاد علوم سیاسی در آمریکا بر این باور بود که در صورت شناخت "چگونه‌بودن" عملکرد دولت است که می‌توان درباره "چگونه باید بودن" آن به ارائه نظر پرداخت (Jones; 1970). مدل جونز فرایند سیاستگذاری عمومی را که برای سیاستگذاری فرهنگی نیز استفاده می‌شود، شامل مراحل ذیل می‌داند: ایجاد دستور کار و تعریف مشکل، پیشنهاد راه حل‌ها و سیاست‌ها، تصمیم‌گیری، اجرا و ارزیابی.

این مراحل بیانگر اقدامات جاری هستند که طی زمان به وقوع می‌پیوندند. هر مرحله‌ای به مرحله بعد مرتبط بوده و آخرین مرحله (برآورد سیاست) نیز به مرحله اول (تهیه دستور کار) و مراحل میانی متصل است که نوع این ارتباط به صورت یک چرخه یا دور غیر خطی از اقدامات است:

۱. **صورت‌بندی مشکلات:** با صورت‌بندی مشکلات می‌توان به دانش مرتبط با سیاستی دست یافت که

فرضیات اصلی تعریف مشکلات را، که از طریق تهیه دستور کار وارد فرایند سیاست‌گذاری شده‌اند، به چالش بطلبد. صورت‌بندی مشکل می‌تواند به ما در آشکارسازی فرضیات مکتوم، تشخیص علت‌ها، بازنمایی اهداف

¹ Jones

ممکن، ترکیب نظرات متضاد و طرح انتخاب‌های سیاستی جدید کمک کند.

۲. پیش‌بینی: با استفاده از پیش‌بینی می‌توان به دانش سیاست‌گذاری در زمینه روند حوادث در آینده دست یافت که ممکن است در نتیجه جایگزین‌های اقتباس‌شده (نظیر انجام ندادن هیچ کاری) به‌وقوع بپیوندند؛ این جایگزین‌ها در مرحله تدوین و تنظیم سیاست مورد توجه و ملاحظه واقع خواهند شد. به کمک پیش‌بینی می‌توان آینده‌های قابل قبول، بالقوه و تجویزی را بررسی کرد، به نتایج سیاست‌های موجود و پیشنهادی پی‌برد، محدودیت‌هایی را که ممکن است در آینده در مورد دستیابی به اهداف وجود داشته باشند، مشخص کرد و احتمالات سیاسی (حمایت و مخالفت) انتخاب‌های مختلف را حدس زد.

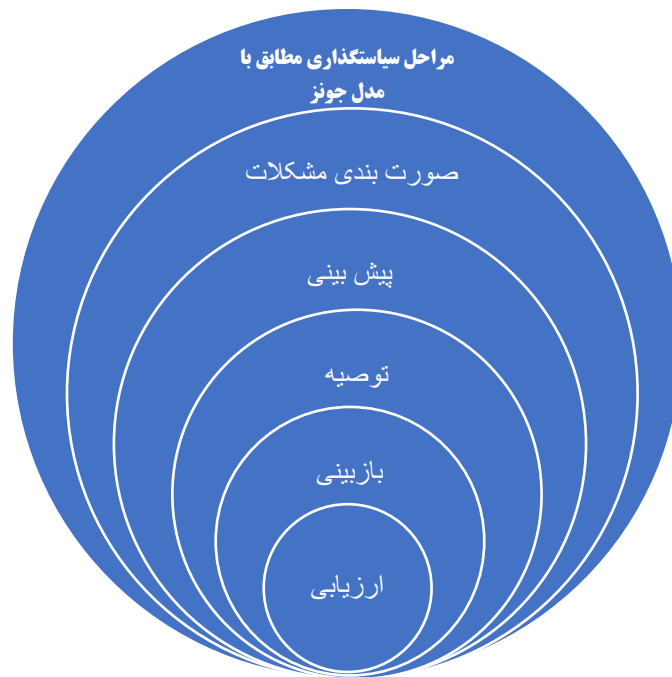
۳. توصیه: توصیه دانش مرتبط با سیاستی را به بار خواهد آورد که در زمینه سود و هزینه، جایگزین‌هایی است که نتایج آتی آنها از طریق پیش‌بینی برآورد شده و بدین ترتیب به سیاست‌گذاران در مرحله اقتباس سیاست کمک خواهد کرد. به کمک توصیه می‌توان به میزان حوادث ناگوار و غیر قابل پیش‌بینی پی‌برد، عوامل بیرونی و ناخواسته را تشخیص داد، معیار انجام انتخاب‌ها را مشخص نمود و مسئولیت‌های اجرایی را برای تحقق سیاست‌ها معین کرد.

۴. بازبینی: بازبینی دانش مرتبط با سیاستی را در زمینه نتایج سیاست‌گذاری‌های اقتباس شده پیشین در اختیار سیاست‌گذاران قرار خواهد داد و بدین ترتیب به آنها در مرحله اجرای سیاست کمک خواهد کرد. بسیاری از سازمان‌ها به طور مرتب نتایج و تأثیرات سیاست‌ها را بازبینی و نظارت می‌کنند که این بازبینی به‌وسیله شاخص‌های سیاستی مختلفی در زمینه‌های سلامتی، آموزش، مسکن، رفاه، جرم و علم و فن‌آوری صورت می‌گیرد. به کمک بازبینی می‌توان به میزان پیروی پی‌برد، پیامدهای ناخواسته سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها را آشکار ساخت، موانع و محدود‌حصرهای اجرایی را تشخیص داد، و منبع مسئول انحراف سیاست‌ها را معین کرد. به عنوان مثال، اخیراً تحلیل‌گران اداره سرشماری بر روی سیاست‌های رفاه اقتصادی و اجتماعی ایالات متحده نظارت و بازبینی داشتند. نتیجه تحلیل آنها این بود که درآمد متوسط واقعی خانواده‌ها در ایالات متحده بین سال‌های ۱۹۶۹ و ۱۹۸۹ تنها ۲ درصد افزایش داشته است. طی همان دوره، سهم درآمد ملی طبقه مرفه (یک پنجم جامعه) از ۴۳ درصد به ۴۶/۷ درصد افزایش داشته است. تمام اقشار دیگر جامعه با یک کاهش درآمد مواجه شده بودند و بدین ترتیب طی بیست سال اخیر نابرابری درآمدها به طور چشم‌گیری افزایش یافت، طبقه متوسط جامعه ضعیف‌تر شد و استانداردهای معیشت نیز کاهش یافت.

۵. ارزیابی: ارزیابی، دانش مرتبط با سیاستی را در پیش روی سیاست‌گذاران قرار می‌دهد که در زمینه فاصله

نتایج سیاست‌های مورد انتظار و واقعی است و بدین‌سان به آنها در مرحله برآورد سیاست فرایند سیاست‌گذاری یاری خواهد رساند. با استفاده از ارزیابی می‌توان علاوه بر تعیین میزان کاهش مشکلات، ارزش‌های موجود در یک سیاست‌گذاری را نقد و بررسی کرد.

در پایین شکل زیر را برای دریافت هرچه بهتر مدل جونز، به دست می‌دهیم:



شکل ۲: مدل فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی مطابق با مدل جونز

با توجه به فرایند سیاست‌گذاری (مطابق با مدل جونز) که شامل شناخت مشکل، ارائه راه حل، تصمیم‌گیری، اجرا و ارزیابی می‌باشد صرف سیاست‌گذاری کافی نیست چرا که بایستی برای تعیین کارایی یا عدم کارایی سیاست‌گذاری‌ها، سیاست‌ها مورد ارزیابی و آسیب‌شناسی قرارگیرند تا در صورت عدم کارایی سیاست‌ها تغییر و در صورت کارایی سیاست‌ها تداوم یابند (مقتدایی و ازغندی، ۱۳۹۵).

بنابراین انجمن علمی با تکیه بر ادبیات نظری گفته شده، سعی دارد شایسته‌ها را برای سازماندهی انجمن برگزیند و مباحث مختلف سیاست‌گذاری اجتماعی و فرهنگی را چه در سطح کلان -نظری و چه در سطح جزئی- کاربردی برای بهبود هرچه بهتر وضعیت کشور در جهت کمک به ایجاد توسعه‌ای یکپارچه در کشور، به کار اندازد.

البته تعاریف بالا هر چند رویکرد بیشتر نظری داشتند اما باید گفت که وقتی صحبت از سیاستگذاری می‌شود، در واقع اعمال نوعی کنش در متن آن دیده می‌شود که در متن حاضر اعمال این کنش در قالب رویکرد مدیریت مشارکتی از طریق ۱. مشارکت دولت، ۲. اقشار مختلف مردم و ۳. نهادهای تشکل یافته مردمی و غیردولتی (به مثابه بخش سوم) مدنظر است.

بدین ترتیب انجمن حاضر با وفاداری به گفتمان کلان انقلاب اسلامی ایران شکل می‌گیرد و در نظر دارد با بررسی اسناد بالادستی، برنامه‌های توسعه پنج ساله کشور، قوانین اجتماعی و فرهنگی و چشم اندازها، سهمی در گسترش دانش و معرفت و بازاندیشی به اولویت های جامعه ایرانی با توجه به تغییر و تحولات اجتماعی و فرهنگی داشته باشد.

الحمد لله رب العالمين